

بررسی فقهی حقوقی رحم اجاره ای با نگاهی به قانون فرانسه

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۱۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۳/۱۸)

دکتر رضا بیرانوند^۱

عضو هیات علمی موسسه آموزش عالی فاران مهر دانش

مهناز سرداری

کارشناس ارشد حقوق خصوصی موسسه آموزش عالی فاران مهر دانش

چکیده

بر اساس آمار سازمان جهانی بهداشت بیش از ۸۰ میلیون زوج نابارور در سراسر جهان وجود دارد یعنی چیزی در حدود ۱۰-۱۵ درصد از زوجین در جهان با مشکل ناباروری مواجه هستند. با این حال، استفاده نابجا از فناوری تلقیح مصنوعی و از جمله اهدای جنین ممکن است همانند استفاده نابجا از سلاح و انرژی هسته ای برای زندگی بشر و جامعه خطرناک و زیان بار باشد. همین پیشرفت علمی اگر شتاب زده و بدون برنامه ریزی و خارج از چارچوب قانون و مقررات مورد بهره برداری قرار گیرد می تواند دستاویزی برای سوءاستفاده کنندگان جهت ایجاد بازارهای سیاه خرید و فروش گامت و جنین و تخلفاتی از این قبیل، قرار گیرد. اما علیرغم تمامی نگرانی های موجود در مورد استفاده از گامت و یا جنین اهدایی دیگران و آثار و پیامدهای متعدد آن، به محض اینکه زمینه استفاده از این فناوری فراهم شد، خیل عظیمی از قشر نابارور برای درمان خود به سمت بهره برداری از آن روی آوردند. زیرا ناباروری بر مردان و زنان نابارور و حتی خانواده آنها تاثیر منفی گذاشته و افراد نابارور را در معرض انواع مشکلات روحی- روانی قرار می دهد. علت این مساله آن است که نگرانی از ناباروری و عقیم ماندن استرس و اضطراب های شدیدی در افراد نابارور ایجاد می کند که آنان را با آشفتگی های هیجانی و عاطفی مواجه ساخته و به سمت استفاده از گامت و جنین اهدایی دیگران و به جان خریدن آثار و عواقب روحی- روانی، حقوقی، اجتماعی و اقتصادی آن سوق می دهد.

واژگان کلیدی: رحم، اجاره، فرانسه، مشروعیت، فقه، مشروعیت تولد

بخش اول: کلیات

گروهی از بانوان به صورت اولیه یا ثانویه رحم ندارند، مثلاً برخی از بانوان به صورت مادرزادی رحم ندارند و گروهی نیز به علت وجود تومورهای مختلف از جمله فیروم یا سرطان رحم خود را از دست داده‌اند که این گروه‌ها زوجین نابارور نیازمند به رحم جایگزین را تشکیل می‌دهند. علاوه بر این افراد برخی از بانوان با وجود داشتن قدرت باروری و داشتن تخمک، به علت بیماری جسمانی شدید ازو یا بیماری‌های زمینه‌ای قبیل بیماری‌های قلبی، دیابت یا ام‌اس از بارداری منع می‌شوند، گروهی دیگر نیز وجود دارند که دچار سقط‌های مکرر بوده‌اند یا به دنبال درمان‌های متعدد نازایی دیگر توانایی حمل جنین را ندارند، این افراد نیز می‌توانند از طریق رحم جایگزین صاحب فرزند شوند چون اسپرم و تخمک وجود دارد و فرزند خود مادر و پدر است. در این روش از خانم دیگری که از سلامتی حمل جنین برخوردار است و موقعیت سیکل حاملگی در او با زوجه‌ای که مشکل رحمی دارد، هماهنگ شده برای حمل جنین و گذراندن دوران بارداری استفاده می‌شود. در این روش سلول‌های جنسی یعنی تخمک از زوجه و اسپرم از همسر او گرفته می‌شود و در بخش جنین‌شناسی از تلقیح آنها جنینی بدست می‌آید، سپس جنین تهیه شده به رحم مادر جایگزین منتقل می‌شود به این شرط که وقتی مدت بارداری تمام شد، مادر جایگزین نوزاد را به صاحبان اصلی نطفه یعنی به والدین کودک برگرداند. همه امکانات لازم برای کاربرد روش رحم جایگزین در کشور وجود دارد و از جنبه پزشکی نیز شرایط برای اجرای این روش فراهم است.

اما ممکن است برخی مادران تصور کنند که به دلایل مختلفی از جمله زیبایی و کار از روش رحم جایگزین استفاده کنند این اقدام در برخی از کشورها موجب منع استفاده کلی از رحم جایگزین شده و مجوزهای شرعی استفاده از این روش در کشور ما نیز محدود به داشتن اندیکاسیون‌های درمانی است و نه به دلایل احساس نیاز و چنین چیزی امکان انجام ندارد سوء استفاده از انسان و تصور کالا نمودن و تجاری به این روش‌های درمانی نهایتاً موجب توقف استفاده مجاز از این روش‌ها به دلایل انسانی و اجتماعی می‌شود همچنانکه در بسیاری از کشورها چنین چیزی اتفاق افتاده است ما معتقدیم وقتی زنی زحمت زیادی را برای تحمل دوران بارداری به منظور استحکام پایه‌های خانواده‌ای دیگر که بدون کمک او صاحب فرزند

نمی شوند، می پذیرد، چگونه می توان بر آن قیمتی گذاشت و نگاه تجاری به این روش از انسان دوستی به دور است. استفاده از این روش و در این محدوده ذکر شده به فتوای اکثریت علما مجاز است و رحم جایگزین به هیچ بهانه ای نمی تواند از پس دادن کودک پس از وضع حمل خودداری کرده و همچنین منعی بر دریافت وجهی و هدیه ای به ازای این تحمل زحمت ندیده اند. تعداد کسانی که می خواهند از رحم جایگزین استفاده کنند، به تناسب کسانی که نیازمند استفاده از روش های کمک باروری برای داشتن فرزند هستند خیلی بالا نیست اما مباحث حقوقی جدی در ارتباط با قرار و قراردادی که بین زوجین و رحم جایگزین گذاشته می شود مطرح است. اما در نهایت مشکلی که هنوز برطرف نشده است همانطور که اشاره شد اخذ شناسنامه برای متولدین این روش است چون در قانون و بیمارستان مادر کسی را می دانند که نوزاد را به دنیا آورده است.

بخش دوم: مشروعیت اجاره نکاح در فقه امامیه

احکام تکلیفی جانشینی در بارداری با این که درون مایه اصلی این نوشتار، معطوف به است اما نظر به « مسئله نسب » احکام وضعی به ویژه این که نسب شناسی در برخی از گونه های مسئله، مبتنی بر پی جست و شناخت احکام تکلیفی است، ناگزیریم از. باب مقدمه به گوشه هایی از احکام تکلیفی نیز پردازیم البته از میان همه اقسام، تنها به بیان حکم تکلیفی در خواهیم پرداخت و « جانشینی در بارداری » گونه نخست در اد امه، نسب شناسی را در همین قسم به سامان می رسانیم چرا که هم بارزترین و کامل ترین مصداق رحم جایگزین است و هم پر ابتلا ترین. بر خلاف جانشینی با باروری مصنوعی (قسم دوم) که همانطور که گفته شد، افزون بر آنکه به طور تخصصی و موضوعی از محل بحث بیرون است، در کشورهایی نظیر ما چندان کاربرد و طرفدار ندارد و اما قسم سوم، اگرچه در موضوع مادر جانشین داخل است اما قسم دوم، در میان زوج های نابارور انگیزه ای برای بهره گیری از آن وجود ندارد. از این رو حکم روایی یا را به بحث م یگذاریم. « جانشینی در بارداری » ناروایی همانگونه که پیش از این اشاره شد در این روش، اسپرم شوهر و تخمک همسر وی (والدین حکمی) با روش های مختلف فراهم آمده و بدون این که با هم ترکیب شوند وارد لوله رحم مادر جانشین می شوند [۱] تا افزون بر لقاح رشد جنین هم در داخل لوله رحم صورت پذیرد. البته این مسئله خود می

تواند با وجود یا فقدان رابطه زوجیت میان مادر جانشین با مرد صاحب اسپرم، دارای دو حالت گردد:

حالت اول: حکم تلقیح اسپرم و تخمک به رحم مادر جانشینی که همسر صاحب اسپرم است. این مسئله خود از دو زاویه قابل بررسی است. نخست، از منظر نفس فرآهم آوری اسپرم و تخمک از زوج نابارور و بارور ساختن تخمک با اسپرم؛ یعنی آیا می توان اسپرم مرد و تخمک زن را جمع آوری کرد و آنها را در داخل یا خارج رحم، ممزوج کرد؟ و دوم، به لحاظ وارد کردن آنها در رحم زنی دیگر. به نظر می رسد نفس این عمل به لحاظ آموزه های فقهی، خالی از اشکال باشد، به ویژه اگر در جریان این فرایند، رفتار ناروایی مانند نگاه، تماس نامحرم، خود ارضایی و... تحقق نیابد؛ متون فقهی نیز گواه این مدعایند. امام خمینی (ره) می فرماید: وارد نمودن منی مرد در رحم زوجه او با آلاتی مثل آب دزدک، اشکالی ندارد. لکن باید از مقدمات حرام احتراز نمایند آقای گلپایگانی نیز بر این باور است که: بر حسب مستفاد از ادله شرعی، نطفه مرد به هر نحو که در رحم. حلیله خود قرار بگیرد جایز است همچنین دسته ای دیگر از فقهای امامی بر این نظریه مهم ترین دلیل روا بودن این عمل را باید فقدان دلیل بر به شمار حرمت و نیز استناد به اصله الاباحه آورد. و اگر گروهی نیز، روایی این عمل را مورد انکاریا تردید قرار داده اند، به لحاظ بیم از ارتکاب پاره ای از اعمال ناروا بوده است.

[۲] اما در خصوص وارد ساختن اسپرم و تخمک در رحم مادر جانشین، نظر به این که میان این زن و صاحب اسپرم، رابطه زوجیت برقرار است، بنابراین وارد کردن اسپرم مرد به داخل رحم همسرش روا خواهد بود؛ همانگونه که در صورت پیشین، اشاره و تأکید شد که دلیلی بر ممنوعیت فرآهم آوری اسپرم مرد (البته از راه جایز) و امتزاج آن با تخمک همسرش (داخل یا خارج رحم) و یا وارد ساختن اسپرم شوهر در رحم همسرش وجود ندارد. البته هدف از وارد کردن اسپرم به رحم این زن، تلقیح نیست چرا که فرض آن است که اسپرم این مرد با تخمک همسر نابارورش بارور گردیده است و رحم زن دوم، تنها باید به عنوان جایگاه و محل استقرار جنین، مورد استفاده قرار گیرد.

ولی می توان از روایی ورود تخمک یک زن در رحم زن دیگر پرسش کرد؛ تا کنون در این خصوص (یعنی وضعیت شرعی وارد ساختن تخمک آماده برای باروری به درون رحم زنی

دیگر) بحث چندانی نشده است و غالباً فقها درباره وارد کردن اسپرم مرد بیگانه^۲ سخن گفته اند که البته به لحاظ (AID) به رحم زن ملاکی می توان ادله موافقان و مخالفان آن مسئله را به این جا نیز تسری داد که به نظر می رسد قول به جواز در این جا نزدیک تر به حقیقت باشد زیرا: به آیاتی از قرآن استناد شده است که AID در بحث به مردان و زنان، فرمان می دهد که فروجشان (دستگاه، تناسلی) را حفظ کنند.

عموم این آیات بنابر قاعده باید دربرگیرنده محل بحث نیز باشد. یعنی چنانچه مستفاد از این آیات لزوم حفظ فرج از هر چیزی باشد، هم شامل اسپرم مرد بیگانه و هم در بر گیرنده تخمک زنی دیگر می شود و هیچ خصوصیتی در اسپرم نیست که باعث عدم شمول آیات نسبت به تخمک شود گفته شده که این دسته آیات از AID البته در مبحث شمول تلقیح مصنوعی، انصراف دارند و انصراف آنها از محل بحث (وارد ساختن تخمک یک زن به رحمزن دیگر) آشکارتر است.[۳]

همچنین روایاتی که از سوی مخالفان مورد استناد قرار گرفته، ناظر به وارد کردن اسپرم مرد بیگانه به رحم زن است و هیچگونه قرینه ای دال بر عمومیت وجود ندارد. افزون بر این که به هنگام صدور روایات مزبور، با موجود ژنتیکی مستقلی به نام تخمک آشنا نبوده و این امکان برای بشر میسر نبود که تخمک زن را شناسایی و آن را از بدنش خارج و به رحم زن دیگری منتقل کند. اراده چنین عمومی - بر فرض وجود قرینه ای حاکی از عمومیت - تحمیل بر روایات خواهد بود. بنابراین به نظر می رسد از نقطه نظر روایات، هیچ ادخال تخمک متعلق به زنی «دلیلی مبنی بر حرمت مجرد در دسترس نیست، خواه زن صاحب «به رحم زنی دیگر تخمک با شوهر زن دریافت کننده، رابطه زوجیت قانونی». (داشته باشد یا نداشته باشد)

مورد استناد ۳ AID. قاعده احتیاط نیز که در مبحث قرار می گیرد، اینجا کارایی ندارد زیرا مراد از احتیاط در امر فروج و نکاح، جلوگیری از اختلاط میاه و درهم ریختن نسب است که در این جا مطرح نیست. حالت دوم: حکم تلقیح اسپرم و تخمک به رحم مادر جانشینی که همسر صاحب اسپرم نیست. در مسئله پیشین، درباره روایی اصل فراهم آوری اسپرم و تخمک و امتزاج آنها با هم، سخن گفته شد و همان دلایل در این جا نیز ساری است. همچنین وارد ساختن تخمک زنی در رحم زن دیگر نیز بررسی شد. اما مسئله اصلی در این فرض، بحث از

روایی یا ناروایی وارد ساختن اسپرم مرد بیگانه در رحم مادر است که پیش از AID جانشین است و این همان مبحث این مورد اشاره قرار گرفت و اکنون با تفصیل بیش تر به بیان در می آید.

حکم تکلیفی وارد ساختن اسپرم مرد بیگانه در رحم (AID) زن به دو گروه مخالف A.I.D فقهای امامی در برابر پدیده و موافق تقسیم شده اند. اکنون دلایل مخالفان، یک به یک مطرح می شود و آن گاه در هر دلیل، پاسخ موافقان به بیان در می آید.

اطلاق و عموم آیات: چند آیه در قرآن کریم وجود دارد که مردان و زنان را به حفظ فروج (دستگاه، تناسلی) خود، فرمان داده است (نور / ۳۰، مؤمنون / ۵، معارج / ۲۹، نساء / ۲۲ و ۲۳). به عنوان نمونه در آیه ۳۰ سوره نور آمده است: قل للمؤمنات يغضضن من ابصارهن يحفظن فروجهن براساس AID ابصارها براساس AID ابصارها این دسته از آیات بر این باورند که هر عملی که با حفظ فروج ناسازگار باشد، زیر پا نهادن فرمان الهی و تعدی از مقررات شرعی است و هر گونه عملی در ارتباط با اندام تناسلی (همانند تلقیح با اسپرم بیگانه) با فقدان رابطه زوجیت و نبود اجازه شرعی و قانونی، روا نخواهد بود با توجه به این که در این آیات، مفعول و متعلق حفظ، محذوف است، امر به حفظ، افاده عمومیت می کند یعنی را از هر چیزی حفظ کرد چه ورود نطفه ای « فرج » باید از طریق زنا باشد یا به وسیله ابزار پزشکی. [۴]

بخش سوم: حکم فقهی مساله اهداء و انتقال جنین

در ارتباط با حکم فقهی استفاده از روش اهدای جنین در باروری و تولید مثل، چهار دیدگاه از جانب فقهای مذاهب اسلامی مطرح شده که عبارت از: مشروعیت مطلق، مشروعیت مشروط، حرمت مطلق و توقف. در ذیل ما به صورت جداگانه هر یک از این دیدگاه ها را مطرح و مورد بحث و بررسی قرار داده ایم.

بند اول: مشروعیت مطلق

طرفداران این دیدگاه همه انواع روش های باروری مصنوعی یا آزمایشگاهی را که به جهت ضرورت از ناحیه پزشک تجویز می شوند مشروع می دانند و مدعی اند که دلیل محکم و قانع کننده ای که حرمت استفاده از این روش ها را اثبات کند، وجود ندارد و در تایید ادعای خود به ادله ذیل استناد می کنند:

الف) قاعده «نفی عسر و حرج»

فقه‌های طرفدار دیدگاه جواز یا مشروعیت مطلق با استناد به قاعده مذکور بر این عقیده اند که هر گاه بر انسان امر غیر قابل تحملی مستولی گردد، حکم اولیه موضوعات برداشته شده و بر آن عنوان ثانویه حاکم می گردد، لذا اگر حکم اولیه مساله ای، حرمت باشد با پدید آمدن اضطرار حلال و یا لااقل مباح می گردد. آیات و روایات متعددی عسر و حرج را نفی کرده اند: «و ما جعل علیکم فی الدین من حرج: بر شما در دین، سختی قرار داده نشده است» (حج ۷۸) «یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر: خداوند برای شما آسانی خواسته و برایتان سختی نخواست است» (بقره، ۱۸۵) با عنایت به آیات شریفه می توان گفت در دین اسلام احکام حرجی برداشته شده و لذا این گونه احکام در دین اسلام تشریع نشده است. [۵]

در این زمینه در فقه اهل سنت آمده است: کلید بقای بشر در دست تولید مثل و فرزند آوری است، با این توضیح، بی فرزندی می تواند عسر و حرج و سختی شدیدی برای خانواده به وجود آورد، لذا وجود فرزند برای دوام هر زندگی، نیازی مبرم به شمار می رود، مضافا اینکه شارع مقدس جهت حل معضل ناباروری انسان، وی را به حال خود نگذاشته و او را در این مساله یاری کرده است و برای تایید این ادعا به زوجین جهت درمان بیماری ای که مانع ناباروری آنان شده است، اجازه درمان داده است. [۶]

اشکال: ضرورت (اضطرار) و عسر دو عنوان است که همیشه بر یک مصداق منطبق نمی شود؛ بنابراین، دریافت چنین اهدایی دیگران، اگر ضرورتی برای انجام آن باشد، لازم نیست عنوان عسر و حرج نیز بر آن صادق باشد و بالعکس اگر عنوان عسر و حرج تحقق یابد، لازم نیست ضرورت هم داشته باشد.

ب) قاعده «الضرورات تبیح المحظورات»

بر اساس قاعده مزبور، اگر شخصی به حکم ضرورت مرتکب عمل سوء و خلافی گردد، قابل سرزنش و مجازات نیست. با این توضیح برای زوجین نابارور، درمان یک امر ضروری محسوب می شود که به حکم قاعده الضرورات تبیح المحظورات می توان به روش اهدای جنین متوسل شد، مضافا اینکه فقه‌های شیعه اقدام بیمار را جهت درمان بیماری اش اگر چه ناچار به انجام عمل حرامی گردد مجاز می دانند. شماری از فقه‌های مذاهب اربعه نیز بر این

عقیده اند: در صورتی که ناباروری، زوجین را در حالت اضطرار، حرج و ناچاری قرار دهد، اقدام آنان جهت رفع ناباروری مشروع می باشد، البته مشروط به اینکه زوجین قانونی و شرعی باشند.

شیخ عبدالسلام العبادی در این راستا می نویسد: «درمان نازایی یکی از موارد ضرورت می باشد لذا کسی که می گوید درمان نازایی ضرورتی ندارد، در واقع از اوضاع و احوال دهشتناک خانواده هایی که یکی از زوجین یا هر دو نابارور هستند، بی اطلاع است در حالی که شریعت اسلام مسلمانان را به ازدیاد نسل و فرزند آوری تشویق کرده است. لذا با عنایت به اطلاق این دستور و همچنین آیه کریمه «المال والبنون زینه الحیاه الدنیا» (کهف، ۴۶) باید هر نوع باروری و فرزند آوری مجاز تلقی شود». [۷]

اشکال وارد شده بر این دلیل: از آن جایی که هیچ دلیلی موضوع خود را اثبات نمی کند، برای اثبات ضرورت می باید مشخص شود: ۱- چند درصد از زن و شوهر ها نابارورند، ۲- در چند درصد از مواردی که زوجین هر دو نابارورند ناباروری آنها مطلق است نه نسبی (در ناباروری نسبی زن و شوهر سلول جنسی لازم برای بچه دار شدن را دارند ولی بنا بر دلایلی امکان لقاح میان آنها و در نتیجه تشکیل جنین میسر نیست در حالی که در ناباروی مطلق زوجین اصلاً فاقد سلول های جنسی هستند و لذا نیاز به جنین اهدایی پیدا می کنند)، ۳- چند درصد از این افراد، تمایل دارند از این راه بچه دار شوند. به نظر نمی رسد که بتوان با ملاحظه این موارد به ضرورت استفاده از جنین اهدایی دیگران دست یافت. علاوه بر این در عرف فقها، واژه ضرورت هم سنگ با «اضطرار» به کار می رود و «اضطرار» در جایی به کار می رود که جان یا مال یا آبروی انسانی در خطر باشد و هیچ راه دیگری برای حفظ آن نباشد. با این توضیح درمان ناباروری که هیچ خطری نه برای برای جان و مال و آبروی انسان ندارد، پس نمی تواند اضطراری را برای درمان آن ایجاد کند.

بخش چهارم: احکام تکلیفی اجاره رحم

بند اول: جواز اجاره رحم

در زمینه جواز یا عدم جواز انتقال جنین به رحم زن بیگانه که غالباً رحم مورد اجاره قرار می - گیرد، در قانون مدنی ایران یا سایر قوانین، حکم صریحی وجود ندارد. زیرا طبق ضوابط عقلی

و اصول حقوقی اگر امری را قانون ممنوع نکرده باشد، مباح است و کلیه اعمال و اقدامات انسانها در صورتی که مخالفت با اخلاق حسنه و نظم عمومی نداشته باشد و در قانون نیز تصریح به ممنوعیت آن نشده باشد، جایز است. در موضوع مورد بحث نیز نظر به اینکه انتقال جنین به رحم اجاره‌ای برای رفع مشکلات خانواده‌های علاقه‌مند به فرزند که قادر نیستند به طور عادی و طبیعی و با مقاربت، صاحب فرزند شوند مفید و موجب استحکام روابط زناشویی و بقا و تداوم خانواده خواهد شد و اخلاق پزشکی و عمومی نیز با آن مخالفت ندارد و نظام جامعه نیز متزلزل نمی‌گردد؛ لذا می‌توان گفت این اقدام به طور قانونی جایز است و حقوق‌دانان و اندیشمندان حقوق نیز در ایران نسبت به موضوع، نظر موافق دارند.

بند دوم: حرمت اجاره رحم

انتقال جنین به رحم زن بیگانه از جمله مسائل جدیدی است که کمتر از ربع قرن از پیدایش این پدیده در جهان می‌گذرد. بنابراین این پدیده در سیستمهای حقوقی جهان و همچنین در دنیای اسلام سابقه بحث و گفتگو ندارد ولی در حال حاضر با توجه به مدارک و اسناد شرعی و فقهی، گروهی با رواج این موضوع مخالف هستند. بعضی از فقهای امامیه به استناد آیاتی همچون آیه ۳۰ در سوره نور و آیات ۲۹، ۳۰ و ۳۱ سوره معارج بر حرمت تلقیح مصنوعی و قرار دادن جنین در رحم زن بخصوص در رحم زنان عاریتی، تأکید دارند. از آنجا که تلقیح جنین به رحم زن بیگانه از مسائل جدید و نوپاست که در دهه اخیر مطرح شده، نظریات حقوق‌دانان و فقها به نتیجه قطعی نرسیده است؛ ولی نظر اکثریت در این زمینه، تمایل به جواز قانونی و شرعی این اقدام است که برای روشن شدن بیشتر مطالب لازم است نظریات ابراز شده را مطرح کنیم.

پاسخ: رحم اجاره‌ای بدین معناست که اسپرم مرد و تخمک زنی که رابطه زناشویی دارند، گرفته می‌شود و در شرایط خاصی به مدت ۴۸ ساعت به سلول (جنین) تبدیل می‌شود و در رحم زن دیگری که می‌تواند شوهردار یا بدون شوهر باشد - با توجه به سلامت جسمانی و روانی آن زن - گذاشته می‌شود و اصل این عمل جایز است.

در احکام فقهی قاعده‌ای به نام «اصالة الحل» وجود دارد. بنابراین قاعده هر چیزی حلال است، مگر اینکه دلیلی برای حرام بودن آن پیدا شود. قانونگذار اسلامی نیز بیان می‌کند هر چیز برای

انسان حلال است و اگر حرام باشد، در مقابل آن سکوت نمی کند و اعلام می دارد که فلان عمل جایز نیست و حرام است. بنابراین در صورتی که اسپرم مرد و تخمک زن ر رحم زن دیگری قرار داده شود، از لحاظ فقهی هیچ یک از عناوین محرمه بر آن بار نمی شود و فرزندى که متولد می شود، مشروع و قانونی است. عملی که جایز و حلال است - چه می خواهد در شبهات حکیمه باشد، چه در شبهات موضوعیه - وقتی هیچ یک از عناوین محرمه بر آن صدق نمی کند، نباید دنبال آن باشیم که به چه دلیل جایز است، بلکه بر اساس قاعده «اصالة الحل» حلال و جایز است. [۸]

سؤال: از نظر فقهی چه ایراد و اشکالی ممکن است بر این مسأله وارد شود؟
از نظر فقهی هیچ گونه اشکالی بر بحث رحم اجاره ای وارد نیست؛ زیرا اصالة الحل در تمام شبهات حکمیه و موضوعیه جاری است و قانونگذار در مقابل بیان آن حکم ساکت مانده، پس باید اصل را بر جایز بودن مسأله گذاشت و این یک اصل مسلمی است که در فقه پذیرفته شده است.

فردی که فرزند می خواهد فقط از این طریق می تواند صاحب فرزند شود. بنابراین عمل عقلایی و مشروعی است و اگر کسانی جایز نبودن آن را مطرح می کنند، باید دلیل قطعی برای این مسأله بیاورند.

سؤال: پیامدهای منفی احتمالی این مسأله از ابعاد مختلف چه می تواند باشد؟
پاسخ: باید روند آن در جامعه به گونه ای باشد که در حالت اضطرار و استثنا نیاز زوجین را مرتفع کند و فقط زوجینی به این امر مبادرت ورزند که نیازمند و مستحق آن باشند. بنابراین در مباحث قانونی باید قیودی ذکر شود که حالت اضطرار و استثنا مطرح گردد، اگر غیر از این مسأله باشد به کیان خانواده لطمه وارد می شود و عواطف در خانواده کم می گردد؛ زیرا در جامعه اساس به تقویت خانواده و استحکام آن سفارش شده است.

سؤال: اگر زنی همسرش مخالف چنین عملی باشد، چه حکمی دارد؟
پاسخ: جایز نیست؛ زیرا زن شوهرداری که می خواهد نطفه دیگری را برای نه ماه در رحم خود نگهداری کند، باید رضایت و اجازه شوهرش را کسب نماید، چون این مسأله نباید باعث از بین رفتن حق شوهر شود.

سؤال: اگر در دوران بارداری، جنین سقط شود آیا حقی به زن تعلق می‌گیرد یا خیر؟
پاسخ: حال که اصل عمل جایز و حلال بود و رضایت شوهر کسب شد، در ازای زحمت و مشقت، زن می‌تواند اجرت طلب کند؛ زیرا این عمل ارزشمند و قابل احترام است و زن می‌تواند ادعای حقوق و اجرت کند. حتی اگر بعد از چند ماه جنین سقط شود، طبق شرط و قرارداد باید حق همان مدت به زن پرداخته شود.

سؤال: چه توضیحی درباره این مسأله دارید؟

پاسخ: عده‌ای تشکیک می‌کنند که آیا شریعت اجازه انجام چنین عملی را داده است یا خیر؟ شبهه حکمیه است و روایتی در باب وارد نشده است. بنابراین قاعده «اصالة الحل» می‌گوییم انجام چنین عملی حلال است و پدر و مادر اصلی آن طفل صاحبان اسپرم و تخمک هستند و زنی که برای نه ماه جنین را نگهداری کرده به طریق اولی مادر رضاعی طفل محسوب می‌شود. در قرآن کریم آمده است: «إِنْ امْهَاتِهِمْ إِلَّا الْأُنَى وَلَدْنَهُمْ»، «و مادرانی که شما را به دنیا آورده- اند» (مجادله: ۲) اینگونه تفسیر می‌شود که قید، قید غالبی است. [۹]

به نظر می‌رسد که انتقال جنین به رحم اجاره‌ای در صورت ضرورت و پیدا شدن حالت عسرت و فراهم شدن اسباب ویران شدن کانون خانواده، لازم است مجاز گردد و شرایط آن را نیز مقنن دقیقاً پیش بینی کند تا در عین حال که نظم جامعه حفظ می‌شود، کانونهای خانواده به علت کمبود وجود فرزند از هم گسسته نشود. البته ضروری است در این زمینه به وسیله متخصصان و اندیشمندان ابعاد مختلف، این امر با دقت فراوان مورد توجه قرار گیرد تا مقرراتی منطقی و منطبق با ضوابط عقلی پی‌ریزی گردد. [۱۰]

بخش چهارم: فتوی راجع به حکم شرعی رحم اجاره‌ای

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی) این کار فی نفسه اشکال ندارد ولی باید از مقدمات حرام از قبیل نگاه و لمس حرام و غیر آنها اجتناب شود، به هر حال در صورتی که با این روش کودکی به دنیا بیاید ملحق به شوهر زنی که صاحب رحم است نمی‌شود بلکه ملحق به صاحب نطفه و به زنی است که صاحب تخمک است

حضرت آیت الله العظمی سیستانی (مد ظله العالی)

این کار فی نفسه اشکال ندارد.

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مد ظله العالی)

هر گاه نطفه زن و شوهری را در خارج از رحم با هم ترکیب کنند، و در رحم شخص ثالثی قرار دهند، این امر ذاتاً جایز است؛ ولی چون غالباً مستلزم نگاه و لمس حرام است، تنها در موارد ضرورت مجاز است.

حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (مد ظله العالی)

چنانچه ملازم با حرام از قبیل لمس و نظر نباشد فی نفسه مانعی ندارد.

بخش پنجم: لزوم رعایت ضوابط شرعی

رعایت ضوابط شرعی مندرج در این ماده از دو جهت دارای اهمیت است:

۱- در دریافت سلول های جنسی از اهداء کنندگان و تشکیل جنین، عمل حرامی انجام نگیرد. زیرا با توجه به نظر اکثریت فقهاء در اصل تشکیل جنین در خارج از رحم از سلول های جنسی زوجین قانونی و شرعی تردیدی وجود ندارد. اما در صورتی که در یافت سلول های جنسی از راه حرام صورت گیرد تعدادی از فقهاء آن را مطلقاً حرام و غیر جایز اعلام نموده اند. و برخی دیگر از فقهاء ارتکاب حرام در دریافت سلول های جنسی و تشکیل جنین را مشروط به موارد ضرورت و عسر و حرج نموده اند. بنابراین در صورتی که دریافت اسپرم یا تخمک مستلزم اعمال حرامی همانند نگاه یا لمس نامحرم و یا استمناء باشد، این کار نامشروع و غیر مجاز می باشد.

۲- در انتقال جنین به رحم زوجه متقاضی، عمل حرامی صورت نگیرد. بنابراین اگر مقدمات حرام منتفی باشد مانند اینکه این عمل توسط همسر شرعی زن یا بوسیله تجهیزاتی بدون لمس و نگاه انجام پذیرد، به لحاظ شرعی هیچ مشلی ندارد و از این نظر ضوابط شرعی رعایت شده است.

شورای نگهبان نیز در جریان تصویب قانون، در جلسه مورخه ی ۱۳۸۱/۶/۲۷ همین مطلب را بیان داشته است: «۱- اصل عمل انتقال جنین خلاف شرع و قانون اساسی تشخیص داده نشد اما این انتقال نباید همراه با لمس و نظر حرام انجام پذیرد و از این جهت باید اصلاح شود...».

ناگفته نماند که مواد یک و دو آیین نامه اجرایی قانون نیز به این دو شرط تصریح نموده است. اما نه در قانون و نه در آیین نامه اجرایی آن مشخص نشده است که ضوابط شرعی مدنظر قانون گذار چیست. قانون گذار باید ضوابط شرعی را مشخص یا لااقل تعریف می کرده است که این کار را نکرده. آیا منظور مقنن اجتناب از محرمانه‌های همانند لمس و نگاه نامحرم در طی فرآیند اهدای جنین می باشد؟ و یا رعایت کلیه ضوابط شرعی و اسلامی مدنظر قانون گذار است؟ به هر حال قانون گذار باید حد و حدود ضوابط شرعی که مدنظرش است را مشخص نماید چرا که عدم تصریح مقنن و ابهام قانون زمینه سوءاستفاده‌ها را در عمل فراهم می کند.

• رأی وحدت رویه شماره ۷۵۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در خصوص کیفیت تنظیم و تسلیم تقاضای دریافت جنین اهدایی -

مصوب ۱۴/۱۰/۱۳۹۵

رأی وحدت رویه شماره ۷۵۵ - ۱۴/۱۰/۱۳۹۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور از مقررات قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور خصوصاً ماده ۴ آن راجع به صلاحیت دادگاه چنین مستفاد می گردد که تقاضای زوجین برای دریافت جنین از امور توافقی نیست و مقررات قانون آیین دادرسی... در امور مدنی در خصوص رسیدگی به دعاوی منصرف از آن است. بر این اساس، تقاضای زوجین بدون تقدیم دادخواست در دادگاه محل اقامت و یا سکونت آنان قابل رسیدگی است و رأی شعبه اول دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد، صحیح و قانونی تشخیص داده می شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.

بخش ششم: بررسی اجاره رحم در حقوق فرانسه

همانگونه که در ابتدای این فصل گفته شد این بخش به بررسی اجاره رحم در حقوق فرانسه می‌پردازد که مباحث آن در ادامه مورد بررسی قرار می گیرند.

بند اول: مبانی حقوقی رحم اجاره در حقوق فرانسه

در این مبحث مبانی حقوقی رحم اجاره در پرتو حقوق فرانسه و مشخصاً در ذیل گفتارهایی مورد بحث و بررسی قرار می گیرند.

الف) کلیت حقوقی رحم اجاره در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه قوانینی در زمینه رحم اجاره حاکم است. در این ارتباط برخی قوانین صرفاً براساس مصلحت کودک در خصوص نسب او تصمیم می گیرند، برخی دیگر، طفل را به مادر جانشین و همسرش منسوب و برخی دیگر با ارائه راهکاری مبنی بر اخذ حکم نسب پیش از تولد، طفل را به والدین متقاضی که همان صاحبان نطفه هستند، ملحق می دانند. [۱۱]

ب) ماهیت حقوقی رحم اجاره در حقوق فرانسه

طبق حقوق فرانسه رحم جاگزین به مثابه تصرف در وضعیت جسم و جان است و ماده ۹۷۵ قانون مدنی فرانسه بر عدم جواز آن حکم کرده است. اما بنا به اقتضائات می توان در مواردی از روش بارداری جانشین استفاده کرد و آن را به عنوان تکنیکی برای حل مشکل بارداری به کار گرفت. [۱۱]

بند دوم: اهداف حقوقی ماهیت قرار داد و شرایط رحم اجاره در حقوق فرانسه

در این مبحث و مشخصاً در ذیل گفتارهایی مشخص و مجزا اهداف حقوقی، ماهیت قرار داد و شرایط رحم اجاره در حقوق فرانسه مورد بررسی قرار می گیرند.

بند سوم: اهداف حقوقی رحم اجاره در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه نیز یکی از اهداف ازدواج توالد است که در عین تداوم نسل بشر، موجب بقای زندگی شده و آرامش روانی را تا حدودی در محیط خانوادگی مهیا می نماید. ناباروری در جامعه ایرانی در عداد عوامل خمسه اصلی در طلاق محسوب می شود که تبعات سوء آن دامنگیر جامعه بوده که علاوه بر اضمحلال و به سردی گراییدن بنیاد ثمین خانواده خسارات هنگفت مادی و معنوی را به جامعه تحمیل نموده است. با پیشرفت فناوری در علم طب، استفاده از رحم جایگزین فرصتی مغتنم است که به مدد آن زوجین نابارور میتوانند جنین حاصل از تلقیح تخمک و اسپرم در محیط آزمایشگاهی را به رحم زن دیگری انتقال دهند که حسب توافقات، مستعد رشد و پرورش جنین است و متعهد می شود که بعد از تولد فرزند حاصل از این فرآیند، آن را به والدین ژنتیکی تحویل نماید. [۱۲]

بند چهارم: ماهیت قرار داد رحم اجاره در حقوق فرانسه

در نظام حقوقی فرانسه مستنداً به مواد ۷-۱۶ و ۹-۱۶ قانون مدنی این کشور انعقاد این قرارداد

غیرقانونی است و وفق مواد ۱۵-۱۱۵ و ۵۱۱-۲۴ قانون جزای این کشور نوعی جرم جنایی تلقی می شود و مرتکبین به هفت سال حبس ساده و صد هزار یورو جزای نقدی محکوم می شوند و در صورت عدم رعایت مفاد ماده ۲-۲۱۴۱ قانون بهداشت و سلامت عمومی به ۵ سال حبس ساده و هفت هزار و پانصد یورو جزای نقدی محکوم خواهند شد.[۱۳]

بند پنجم: شرایط رحم اجاره ای در قانون فرانسه

طبق حقوق فرانسه طفل متعلق به والدین حکمی یعنی کسانی است که مشکل باوری داشته اند لاجرم مسائل مربوط به ارث نفقه ولایت، قهری، حضانت، منع نکاح در عهده والدین حکمی قرار می گیرند.

نتیجه گیری

در این پژوهش، اجاره رحم در حقوق ایران و فرانسه به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گرفت. قرارداد رحم جایگزین، تحت عناوین مختلفی از قبیل قرارداد رحم جایگزین، قرارداد مادر جانشین، قرارداد اجاره رحم، بارداری قراردادی مصطلح شده است. تاکنون در قوانین ایران نسبت به جانشینی در بارداری از سوی قانونگذار ایران قانون خاصی که به چنین موضوعی اختصاص یافته باشد و چگونگی آن را تبیین کرده باشد، تصویب و یا تدوین نشده است. اما با توجه به مباحث فوق و اهمیت موضوع جانشینی در بارداری بهتر است تا قانونگذار با وضع قوانینی این قرارداد را به یک نهاد حقوقی با مقررات و شرایط ویژه تبدیل کند. شرایط این قرارداد را تنها با استناد به عموماً و قواعد عمومی قراردادها نمی توان تعیین کرد. شرایط طرفین قرارداد را باید قانونگذار معین کند و نباید مقررات کلی مربوط به اهلیت را در این مورد مجری بدانیم زیرا هر کس که از نظر قانون اهلیت دارد شایستگی انعقاد قرارداد رحم جایگزین را ندارد چه او خواستار فرزند یا متقاضی بارداری برای دیگری باشد.

توافقات جانشینی در بارداری ماهیتاً عقد می باشند و قابل فسخ نمی باشد، مگر به تراضی طرفین که همان اقاله است و در این قرارداد بعد از استقرار جنین در رحم مادر جانشین حاکمیت با قواعد آمره بوده و اقاله نیز به تبع منتفی می شود، اما اقاله بعد از انعقاد قرارداد و قبل از استقرار جنین در مادر جانشین امکان داشته و از اصل پیروی می کند. همچنین قرارداد رحم جایگزین عقدی معلق بوده و اثر عقد بعد از وقوع حاملگی ایجاد می شود که در صورت

قبول این نظر دیگر اعتقاد رحم به امکان یا عدم امکان فسخ قرارداد قبل از استقرار جنین فایده عملی نخواهد داشت.

از منظر گونه شناسی عقود قرارداد رحم جایگزین عقدی لازم و غیر معین همچنین این قرارداد به دلیل اهمیت آن و آثار بسیار مهمی که از چنین قراردادی در مورد نسب ارث و حریم ناشی می شود، ضرورت دارد برای صیانت بهتر از خانواده، شکل خاص و تشریفات معینی برای بیان توافق دو اراده اعتبار شود تا این قرارداد در شمار عقود تشریفاتی قرار گیرد. شکل خاص و تشریفات معین ممکن است به مواردی از قبیل انجام معاینات پزشکی معین برای تأیید ناباروری والدین حکمی یا متقاضی تأیید سلامت جسمانی مادر جانشین و توانایی وی برای باروری، اخذ مجوزهای لازم پزشکی از مراکز درمانی معتبر، نظارت مراکزی خاص بر مراحل آن و ثبت وقایع و چگونگی تنظیم شروط ضمن قرارداد اختصاص یابد. این قرار داد در شمار عقود مسامحه ای است. همچنین به منظور حفظ این وصف در قرارداد رحم جایگزین بهتر است، قوانین کنترلی و نظارتی مناسب در این مورد وضع شود و قانونگذار مبلغی را که در مقابل زحمات مادر جانشین منصفانه به نظر می رسد، تعیین کنند تا والدین حکمی به حکم قانون اقدام به پرداخت این مبلغ به مادر جانشین کنند. از نظر ماهیت این قرارداد در قالب عقود معین مثل اجاره و عاریه نمی گنجد و بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی می تواند پذیرفته شود، اما همه آثار قرارداد بر اساس اراده طرفین نمی تواند معین شود و پاره ای آثار فهری بر آن مترتب می شود. مهمترین این آثار قرابت و نسب حاصل از قرارداد است که به صورت قهری و غیر ارادی حاصل می شود. همچنین این قرار داد باید علاوه بر شرایط عمومی قراردادها واجد شرایط خاص باشد.

به عنوان نتیجه گیری در بحث قرار داد رحم اجاره ای باید گفت که مادر جانشین به موجب آثار عمومی قرارداد جانشینی مباشر خاص است. اگر وی از انجام تعهد خودداری کند و این خودداری پس از انعقاد قرارداد و قبل از بارداری باشد. دادگاه می تواند او را اجبار به انجام تعهد کند. هرگاه اجبار از این راه نیز ممکن نشود، والدین حکمی حق فسخ قرارداد و مطالبه خسارات ناشی از عدم انجام تعهد را پیدا می کنند. اما اگر خودداری بعد از بارداری باشد مسئله دشوار می شود، به ویژه هنگامی که خودداری منجر به آسیب های جسمانی به جنین

شود. موضوع خودداری از انجام تعهد در این وضعیت، علاوه بر جنبه حقوقی به دلیل ارتکاب جرائم علیه اشخاص مانند سقط جنین جنبه کیفری نیز پیدا می کند. همچنین والدین حکمی ملزمند با تمام شدن کار موضوع قرارداد، اجرت مادر جانشین راپردازند و به نظر می رسد که زایمان پایان کار موضوع قرارداد باشد، مگر آنکه شرایط قرارداد به گونه ای دیگر تنظیم شده باشد. قرارداد جانشینی در بارداری، علاوه بر آثار عمومی فوق، آثار خاص دیگری مانند وضعیت رابطه نسبی فرزند متولد شده با والدین حکمی و مادر جانشین، محرمیت فرزند با آنان و همچنین کیفیت از شیر ی وی از آنان یا به عکس را نیز در بر دارد. طبق ماده ۱۰ قانون مدنی ضروری نیست که برای ایجاد تعهد توافق اشخاص به صورت یکی از عقود بانام و معین در قانون باشد. این موضوع درباره جانشینی در بارداری نیز مصداق دارد و اشخاص می توانند درباره آن به صورت قراردادی خصوصی که در قانون عنوان و صورت خاصی ندارد، با یکدیگر توافق کنند و خود، شرایط و آثار آن را طبق قواعد عمومی قراردادها و اصل حاکمیت اراده تعیین نمایند موضوع دیگر آنکه هرگاه قرارداد جانشینی در بارداری، یا استدلال های فوق دارای ماهیت عقد اجاره اشخاص باشد، بدیهی است که باید در شمار عقود معوض تلقی شود و والدین حکمی به پرداخت عوض به مادر جانشین در برابر تملیک منفعت خاص یا تعهد به انجام کار معنی متعهد شوند. میزان عوض نیز در شرایط کنونی که قانون خاصی درباره موضوع جانشینی در بارداری وجود ندارد، بر پایه حکم اولی و قواعد عمومی به اختیار و توافق بین والدین حکمی با مادر جانشین بستگی دارد، اما به نظر می رسد برای رفع نگرانی هایی که درباره پیامدهای معوض بودن عمل جانشینی در بارداری مطرح شده است، بتوان بر مبنای حالت ثانوی، شرایط و محدودیت هایی را تقنین کرد، به گونه ای که قرارداد مزبور در شمار عقود معوض مسامحی قرار گیرد نه معاملی به بیانی دیگر بهترین شیوه درباره قرارداد جانشینی در بارداری به جای غیر معوض کردن آن تقنین مناسب قوانین کنترلی و نظارتی است که چنین قراردادی را در شمار عقودهای مسامحی آن هم قسم دوم آن قرار گیرد نه عقودهای معاملی، یعنی قرارداد جانشینی در بارداری دارای ماهیت اقتصادی و هدف سود جویی نباشد و مادر جانشین، در حالی که دارای انگیزه های اخلاقی است. بدون انتظار پاداشی برابر یا افزون تر از تعهد یا تملیک مزبور، تعهدی را در برابر والدین به عهده بگیرد و یا منفعت

خاصی را از خود به آن ها تملیک کند.

به عنوان نتیجه گیری بحث رحم اجاره ای در حقوق فرانسه باید گفت که حقوقدانان فرانسوی، قرارداد رحم جایگزین را موجب تصرف در وضعیت شخص و جسم انسان و بر خلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه ماده ۹۷۵ قانون مدنی قلمداد کرده اند، اما به نظر می رسد در وضعیت فعلی که نظرات فقها متفاوت است و قانون خاصی بر منع و عدم صحت چنین قراردادی دلالت نمی کند، می باید با استفاده از قواعد عمومی قراردادها چنین امری را صحیح دانست و آن را به عنوان آخرین راه حل مشکل ناباروری زوجین به کار گرفت. به خصوص که با تصویب قانون اهداء جنین، قانونگذار انتقال جنین تشکیل شده از اسپرم و تخمک زوجین بیگانه به رحم زن دیگر را مجاز شمرده و آنچه در رحم جایگزین متفاوت از اهداء جنین است این امر است که بارداری برای دیگری است که ظاهراً دلیل خاصی برای مغایرت آن با اخلاق حسنه و نظم عمومی وجود ندارد.

پیوست ها و منابع و مأخذ

- ۱- آخوندی، محمد مهدی و صادقی، محمد رضا، ضرورت بکارگیری تکنیک های باروری کمکی در تولید مثل انسان، مجموعه مقالات روش های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق (جمعی از نویسندگان)، تهران، انتشارات سمت و پژوهشکده ابن سینا، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
- ۲- آخوندی، محمد مهدی؛ بهجتی اردکانی، زهره و عارفی، سهیلا، آشنایی با لقاح طبیعی، لقاح خارج رحمی و ضرورت استفاده از گامت جایگزین در درمان ناباروری، مجموعه مقالات اهدای گامت و جنین در درمان ناباروری (جمعی از نویسندگان)، تهران، انتشارات سمت و پژوهشکده ابن سینا، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- ۳- امامی، اسدالله، وضعیت حقوقی باروری مصنوعی و انتقال جنین، مجموعه مقالات روش های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق (جمعی از نویسندگان)، انتشارات سمت و پژوهشکده ابن سینا، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
- ۴- ترونسن، آلن و گاردنر، دیوید، لقاح آزمایشگاهی، ترجمه دکتر عباس افلاطونیان و دکتر ویکتوریا حبیب زاده، نشر طیب، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
- ۵- جعفرزاده، میرقاسم، وضعیت شرعی بکارگیری تکنیک های نوین باروری کمکی در تولید مثل انسانی، فصلنامه پزشکی باروری و ناباروری پژوهشکده ابن سینا، شماره یک، ۱۳۷۸.
- ۶- جعفرزاده، میرقاسم، تکنیک های نوین تولید مثل کمکی انسان: ضرورت ها، دستاوردها و لزوم دخالت قانونگذار، فصلنامه پزشکی باروری و ناباروری پژوهشکده ابن سینا، سال دوم، شماره پنجم، ۱۳۷۹.
- ۷- رضایا معلم، رضا، باروری های پزشکی از دیدگاه فقه و حقوق، قم، موسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۸- رضائی تهرانی، فهیمه، تفاوت دیدگاه زوجین در زمینه گامت های اهدایی، مقاله ارائه شده به دومین سمینار کشوری اهدای گامت و جنین، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- ۹- طباطبایی، سید علی، ریاض المسائل فی بیان احکام الشرع بالادلة، جلد دوم،

موسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۱.

- ۱۰- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، جلد اول تصحیح آخوندی (دار الکتب الاسلامیه) و جلد هشتم، مکتبه الصدوق چاپ اول، ۱۴۱۸.۱۳۶۸.
- ۱۱- صفایی، سید حسین، تولید مثل مصنوعی با کمک پزشکی و انتقال جنین در حقوق ایران و فرانسه، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۳.
- ۱۲- عباسی شوازی، محمد جلال، جنبه های اجتماعی- فرهنگی اهدای تخمک و جنین در درمان ناباروری: مطالعه موردی در تهران، مجموعه مقالات اهدای گامت و جنین در درمان ناباروری، انتشارات پژوهشکده ابن سینا و سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
- ۱۳- غفاری، معرفت، روش های پیشرفته در درمان نازایی، مجموعه مقالات روش های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق (جمععی از نویسندگان)، انتشارات سمت و پژوهشکده ابن سینا، چاپ دوم، ۱۳۸۲.